



شرایطی که لبنان با بحران‌های اقتصادی و سیاسی داخلی مواجه است، پیامی واضح به رژیم صهیونیستی و حامیان آن داشت. حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع به‌ویژه در این شرایط، نشان داد که هیچ تهدیدی نمی‌تواند مقاومت را در لبنان از پای درآورد. مردم لبنان با این حضور نه‌تنها به رژیم صهیونیستی بلکه به تمام جهان نشان دادند که حزب‌الله و جبهه مقاومت در لبنان همچنان از پشتیبانی کامل مردمی برخوردار است.

رسیده است، «امانه‌تنها این پیش‌بینی‌ها غلط از آب درآمد، بلکه حزب‌الله لبنان تحت رهبری سیدحسن نصرالله بیش از پیش به‌عنوان نیرویی حیاتی در منطقه ظاهر شد. اینک نیز راه روشن پیش‌روی مردم لبنان قرار دارد. همچنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز تأکید کرده‌اند، خون شهیدان مقاومت، چراغ راه آزادی قدس و مبارزه با رژیم صهیونیستی خواهد بود. حضور اینچنین گسترده مردم در مراسم تشییع رهبران حزب‌الله به‌ویژه در

اصلاً بیابید برویم دورتر. سری بزنیم به کشوری که کمتر از یک ماه از تدفین اسطوره بزرگ مقاومتش می‌گذرد. بله لبنان. خیلی‌ها از جمله خود صهیونیست‌ها فکر می‌کردند با شهادت سیدحسن نصرالله مقاومت در لبنان هم شکست می‌خورد. اما حواس‌شان نبود وقتی سیدحسن نصرالله نقش اساسی در پدیدآوردن مسئولیت مردم لبنان در قبال آرمان فلسطین ایفا کرده، حتماً توانسته روحیه مبارزه را در نسل‌های هم‌دوره و نسل‌های بعد از خود به‌خوبی ایجاد کند. در نتیجه همین مساله بود که بعد از شهادت سیدحسن نصرالله اگرچه فقدان و خلأ او احساس می‌شود اما قطعاً شاهد نسل‌هایی از نیروهای متفکر، مقاوم، شجاع و مبارز در حزب‌الله و لبنان خواهیم بود و راه مبارزه با اشغالگران را به‌شدت هرچه بیشتر ادامه خواهند داد. همچنانی که با شهادت سیدعباس موسوی، راغب حرب، عماد مغنیه و دیگر چهره‌های کلیدی محور مقاومت لبنان روند شهادت‌خواهی در حزب‌الله متوقف نشد.

جالب است بدانید روزنامه‌های اسرائیلی پس از شهادت سیدعباس موسوی، دبیرکل سابق حزب‌الله لبنان هم اعلام کرده بودند که «دوران حزب‌الله به پایان

سلام کنید!

و نسبت آن با شرایط این روزهای مان

رگ‌های انسان سفر کنند و کلی از این مسائل، تعجب نخواهیم کرد اما از سویی دیگر شاید شما از آن دسته باشید که وقتی صحبت از آینده می‌شود، می‌گویند امروز ما آن قدر مشکلات داریم که از یک سال دیگرمان هم مطمئن نیستیم و نگران عبور از این شرایطیم. ما را چه به آن تحولات. من هم می‌خواهم از همین دریچه با شما حرف بزنم؛ ترسی که داریم چقدر واقعی است؟ چه بلایی قرار است سرمان بیاید و آیا ممکن است اوضاع بهتر شود؟!



در سال دهم بعثت با خورده شدن پیمان نامه توسط موریانه، ورق برگشت. شاید اگر خیلی از ما با روحیه‌های امروزمان در آن شرایط بودیم، قبل از این اتفاق، ناامید می‌شدیم؛ ولی آنها که با رسول خدا ماندند، عاقبت به‌خیر شدند.

سال طول کشید، حدی رسید که ناله گوش مشرکان مکه همسر رسول خدا ریک‌ترین لحظات و



بنابراین هرآنچه خداوند می‌دهد، اعم از بلا و درد یا نعمت و آسایش هردو برای امتحان است. فقط یادمان نرود خدا نمی‌گوید بعد سختی، گشایش است بلکه می‌فرماید با هر سختی، گشایشی است. چون فقط در آن دنیا است که سختی‌ها تمام می‌شود. پس اگر دنبال آرامش کامل هستی، خودت را گول زن.

مورد لطف خدا نیست. حالا برگردیم سر قرارهای خدا. مصائب و بلاها به‌عنوان سنتی از سنت‌های الهی نردبان کمال را برای انسان مهیا می‌کند و در اینجا است که انسان در مواجهه با سنت‌های الهی دو وظیفه دارد؛ وقتی خداوند برای امتحان او را دچار بلا و مصیبتی کرد صبر و استقامت کند و وقتی نعمتی به او داد، شکر کند.

خدا برای این دنیا قوانینی گذاشته که هرکاری کنیم عوض نمی‌شوند. مثل این که ظلم بی‌جواب نمی‌ماند یا این که از هر دستی بدهی از همان دست خواهی گرفت. یکی از قوانین امیدبخش خدا هم این است که همراه هر سختی، آسایشی خواهد بود. خب ممکن است بگوییم چرا اصلاً سختی باشد. این مساله را در قالب یک روایت از رسول خدا می‌توان فهمید. روزی پیامبر اکرم (ص) به خانه یکی از مسلمانان دعوت شدند، وقتی وارد منزل شدند، مرغی را دیدند که در بالای دیوار تخم کرد و تخم مرغ افتاد ولی نشکست. رسول اکرم (ص) در شگفت شدند. صاحب‌خانه گفت: آیا تعجب فرمودید؟ قسم به خدایی که تو را به پیامبری برانگیخته است، به من هرگز آسیبی نرسیده است. رسول اکرم (ص) برخاستند، از خانه آن مرد بیرون رفتند و گفتند: کسی که هرگز مصیبتی نبیند،



امید بخش است که بهتر رقم بزنیم. شاید بد ولی یادمان باشد خصوصاً شب عید فطر. ر شب قدر، مقدرات نوشته می‌شود؛ اما نمی‌و غیرقابل تغییر صوب بود چه سالانه شود هر سازمان چه بد داشت. با این حال حوادثی غیرمنتظره‌های جدید رخ دهد بود چه را ایجاد کند. ن نیز همین قاعده